



بیانات در دیدار مسئولان نظام - 16 / تیر / 1393

در نهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵
در حسینیه امام خمینی رحمه الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین
اولاً خوشامد عرض میکنم به یکایک برادران و خواهران، مسئولان عزیز و متعهد نظام جمهوری اسلامی. بسیار جلسه‌ی خوبی است و ان شاء الله مشحون از برکات الهی و هدایت الهی و نورانیت این ماه خواهد بود. بیانات جناب آقای رئیس جمهور (۱) هم بیانات بسیار خوب و شافی و وافی (۲) بود. آنچه نیت و همت مسئولان کشور است، امیدواریم به برکت این ماه و به برکت ادعیه‌ی زاکیه‌ی صالحان و مؤمنان و صائمان، (۳) به نتایج مورد نظر مسئولان عزیز ما برسد.

ماه رمضان را «مبارک» نامیده‌اند؛ علت مبارک بودن این ماه، این است که راه نجات از آتش و فوز به جنت است، که در دعای روز ماه رمضان [میخوانیم]: وَ هَذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْقَوْزِ بِالْجَنَّةِ. (۴) آتش و دوزخ الهی و همچنین بهشت و نعیم الهی در همین دنیا موجود است. آنچه در نشئه‌ی آخرت تحقق پیدا میکند، باطن همان چیزی است که در اینجا است: «وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (۵)؛ جهنم در همین جا، در همین نشئه، در همین زندگی، کافران و ظالمان و معاندان و مخالفان را احاطه کرده است؛ بهشت هم همین جور.

اینکه ما از جهنم به بهشت برویم، دست خود ما است؛ در همین جا تحقق پیدا میکند و صورت عینی و باطنی و واقعی آن در آن نشئه دیده میشود. ما میتوانیم این سفر را، این سیر از دوزخ بدکرداری، دوزخ بددلی، دوزخ بداندیشی، از این دوزخ که مال این دنیا است را به بهشت نیک‌کرداری، به بهشت نیک‌اندیشی و نیک‌رفتاری و نیک‌خویی انجام بدهیم؛ اسم این حرکت «انابه» است، «توبه» است. لذا در دعا وارد شده است: وَ هَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ» (۶)؛ با انابه، با توبه، عتق (۷) از نار و فوز به جنت حاصل خواهد شد.

یکی از برکات ماه مبارک رمضان دعاهایی است که در این ماه وارد شده است. این دعاها، هم کیفیت سخن گفتن با خدا و استعانت از پروردگار و توجه به خدا را به ما تعلیم میدهد، هم معارف بسیاری را که نظیر آن را انسان حتی در روایات متعارف اخلاقی پیدا نمیکند، به ما تعلیم میدهند. من دو فقره از دعاهای این ماه را انتخاب کرده‌ام که اینجا در آغاز عرایض عرض کنم. انتخاب این دو فقره هم به خاطر نیاز امروز من و شما است؛ ما امروز به‌عنوان مسئولان کشور عزیزمان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی، احتیاج مبرمی داریم به کار جدی و پیگیر و همراه با صفا و اخلاص؛ این دعاها ما را به این سمت حرکت میدهد. یک دعا، دعای روز اول ماه مبارک رمضان است که من از این دعا، این فقره را انتخاب کرده‌ام: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ نُوِي فَعْمَلٍ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فِكْسِلٍ وَ لَا مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّمُ؛ (۸) سه جمله است. جمله‌ی اول عرض میکند: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ نُوِي فَعْمَلٍ؛ پروردگارا! ما را از کسانی قرار بده که با نیت، با قصد، با معرفت عمل انجام میدهند؛ عمل هدف‌دار، عمل همراه با نیت، عملی که از پیش معلوم است که در چه جهتی و به سمت چه مقصدی است. جمله‌ی دوم: وَ لَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فِكْسِلٍ؛ ما را از آن تیره‌روزانی قرار نده که دچار تنبلی و بیکارگی هستند. کسالت یعنی تنبلی، یعنی بیکارگی؛ ما را از اینها قرار نده. دعا این را به ما تعلیم میدهد. جمله‌ی سوم: وَ لَا مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّمُ؛ ما را از کسانی قرار نده که تکیه‌شان به چیزی غیر از عمل است. نشستن و آرزو کردن و حرف‌افش کردن و بافتن مطالبی به یکدیگر در جلسات، بدون اینکه عملی به دنبال آن باشد؛ ما را از اینها قرار نده. ببینید درس موجود در این دعا این است. مؤمن در روز اول



ماه رمضان با این نقس وارد این ضیافت الهی میشود. خود این یکی از مائده‌های بزرگ این ضیافت است. این یک دعا.

دعای دوّم، دعای هرروز ماه مبارک است؛ در این دعا عرض میکنند: وَ اَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ التُّعَاسَ وَ الْكَسَلَ وَ السَّأْمَةَ وَ الْقَتْرَةَ وَ الْقِسْوَةَ وَ الْغَفْلَةَ وَ الْغِرَّةَ؛ (۹) پروردگارا! من را از این خصلتها و از این خصوصیات برکنار بدار؛ این خصوصیات اینها است: اوّل «التُّعَاسَ»، خواب‌آلودگی؛ دوّم «الکسل»، یعنی همان بیکارگی و تنبلی؛ سوّم «السَّأْمَةَ»، ملول شدن، از یک چیزی دل‌زده شدن، دل‌زدگی؛ بعد «الْقَتْرَةَ» یعنی سهل‌انگاری، کارها را با سهل‌انگاری گذراندن، در کارها استحکام را رعایت نکردن؛ بعد «الْقِسْوَةَ»، سخت‌دلی، تحجّر، عدم انعطاف؛ بعد «الْغَفْلَةَ»؛ غافل شدن و گیج خوردن از موقعیت خود و آنچه دارد میگذرد و آنچه پیش روی ما است و آنچه پیرامون ما است؛ و آخری «الْغِرَّةَ»؛ فریب‌خوردگی، مغرور شدن، فریب خوردن؛ من را از اینها برحذر بدار. ببینید اینها چه درسهایی است. خب، کاربرد این مفاهیم - که مفاهیم متعالی بسیار برجسته‌ای است - برای مسئولان و دارندگان شئون کاری و جمعی، خیلی مهم‌تر از کاربرد آن در مورد افراد معمولی و عادی است. اینکه ما میگوییم ما را دچار تنبلی مکن، دچار قسوت نکن، دچار غفلت نکن، از دو نظر محتاج این درخواست الهی هستیم و محتاج این مراقبتیم: یکی از نظر شخصی خودمان که نلغزیم، اشتباه نکنیم، دچار مشکل نشویم؛ یکی از نظر حوزه‌ی مأموریت‌مان و مسئولیت‌مان. شما مثل ناخدایی هستید که دارد کشتی را میراند، مثل خلبانی هستید که دارد هواپیما را سیر میدهد؛ مسئله‌ی شما فقط مسئله‌ی حفظ جان خودتان نیست؛ فرق میکنید با آن کسی که سوار اتومبیل شخصی خودش است و تنها دارد در جاده حرکت میکند؛ مسئولیت او فقط مسئولیت جان خودش است؛ شما نه، جماعتی با شما هستند. اینها است که کفه‌ی مسئولیت را و لزوم تعهد را در مورد این مسائلی که ذکر شد سنگین‌تر میکند.

در ادبیات مذهبی ما، ماه رمضان، ماه تقابل شیطان و رفتارهای شیطانی از یک سو، و رفتارهای رحمانی و اطاعت و عبودیت از سوی دیگر است. گفته میشود که شیطان در ماه رمضان لگام‌زده است - این از یک طرف - و گفته میشود که ماه رمضان، ماه اطاعت و عبودیت است، که کوتاه‌ترین کلمه و پرمغزترین کلمه، کلمه‌ی تقوا است: كَتَبَ عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (۱۰) مسئله، مسئله‌ی تقابل شیطان و تقابل تقوا است. کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه‌ی شما - شیطان این است دیگر - نقطه‌ی مقابل، کارکرد تقوا است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. کار تقوا نقطه‌ی مقابل است: اِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ قُرْآنًا، (۱۱) تقوا به شما فرقان، یعنی آگاهی برای جدا کردن حق از باطل را میدهد. در آیه‌ی شریفه‌ی دیگر [میفرماید]: وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ؛ (۱۲) تقوا موجب این است که خدای متعال دریچه‌های دانش را، آگاهی را، دانایی را به روی شما باز کند.

تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه‌ی ما، از راه تهدید و تطمیع است؛ از یک طرف ما را میترساند: آیه‌ی شریفه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران [میفرماید]: اِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُوا اللَّهَ اِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (۱۳) در قضیه‌ی غزوه‌ای که بعد از اُحد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، پدرتان درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ اُحد زخمی شدند، همانها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدامتان هم نیابید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم راه افتاد، کسانی که آن روز در اُحد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر راه افتادند رفتند و دشمن را که در نزدیک مدینه - [خبر] درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند به صورت غافلگیرکننده، تارومار کردند و برگشتند. فَاَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسَّسَهُمْ سُوءٌ؛ (۱۴) بعد میفرماید که: اِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَاءَهُ. (۱۵) یکی از کارهای شیطان ترساندن است: الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ؛ (۱۶) شما را از فقر میترساند - بنابر یک احتمال در معنای این آیه‌ی شریفه -



این تهدید بود، از طرف دیگر تطمیع است؛ از سوی دیگر وعده می‌دهد شیطان، وعده‌های فریبنده؛ اینجا هم آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: *يَعِدُّهُمْ وَيُمْتِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا*؛ (۱۷) وعده می‌دهد، آرزوها را در دل آنها بیدار میکند، زنده میکند، یک آینده‌ی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود می‌گذارد؛ *وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا*؛ (۱۸) اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرتهای استکباری همیشه [دارند]؛ از یک طرف تهدید میکنند، از یک طرف تطمیع میکنند. تطمیع، فقط تطمیع شخصی نیست؛ تطمیع‌های کلی: «چنین میکنیم، چنان میکنیم»؛ بعد هم نمیکنند، دروغ میگویند؛ کار شیطان این است. همه‌ی این کارهایی که شیطان انجام می‌دهد - این اغوا، این تهدید و تطمیع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مؤمن را از کار بیندازد تا محاسبه‌ی غلط انجام بدهد؛ وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب میشود. محاسبه‌ی غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید میکند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید میکند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سرپنجه‌ی اراده‌ی او است، و اراده‌ی انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است؛ اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده‌ی انسان تصمیمی نمیگیرد و در جهتی می‌رود که خطا است؛ آن وقت نیروهای انسان، همه‌ی توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید. عرض کردیم، مراقبت در مورد شخصی که مسئولیت ندارد به یک معنا است، مراقبت در مورد من و شما که حوزه‌ی مسئولیتی داریم، به یک معنای دیگر است. مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله‌ی شیطانهای انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم. شیطان که فقط شیطان جتنی نیست؛ ابلیس که فقط نیست؛ *جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا*؛ (۱۹) شیاطین انس و جن به هم کمک هم میکنند. من همین‌جا تأکید کنم: یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنتهای الهی را، سنتهایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمیشود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: *إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ*، (۲۰) دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است: *وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا*؛ (۲۱) اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد. این را قرآن گفته است، با این صراحت که وعده‌ی الهی است؛ ما هم در عمل آن را تجربه کرده‌ایم. بدانید این قطعه‌ی تاریخ انقلاب در تاریخ متمدنی که در طول نسلهای آینده، مورد بحث قرار خواهد گرفت، یکی از برجسته‌ترین مقاطع تاریخی است. در دنیای مادی، در دنیای تسلط ابرقدرت‌ها، در دنیای ستیزه‌گری همه‌جانبه‌ی با اسلام و معارف اسلامی و ارزشهای اسلامی، یک نظامی به وجود بیاید برپایه‌ی اسلام، آن هم درست در نقطه‌ای که بیش از همه‌جای دنیا تأثیر عوامل آن قدرتهای منحرف کننده نفوذ داشتند و حضور داشتند. [این] چیز عجیبی است؛ من و شما عادت کردیم. این همان «*إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ*» است. *وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ*؛ دچار تزلزل هم نمیشوید، کما اینکه نشدیم. ملت ایران دچار تزلزل نشد؛ این همه فشار، این همه توطئه، این همه آزار، این همه ناجوانمردی، ملت ایران منصرف نشد. این یکی از سنتهای الهی است. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن [می‌فرماید]: *أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا*. (۲۲) کلمه‌ی طیب، اقدام درست، اقدام پاکیزه، اقدام برای خدا این جوری است، که این میماند، در زمین ریشه میدواند، مستحکم میشود و ثمربخش خواهد بود. نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام، است، مثل شجره‌ی طیبه باقی مانده است، مستحکم‌تر شده است. امروز نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام، به‌عنوان یک حکومت، به‌عنوان یک مجموعه‌ی سیاسی با سی سال قبل از لحاظ استحکام قابل مقایسه نیست. در دو آیه بعد [می‌فرماید]: *يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ*. (۲۳) همان تثبیت و اثبات



را مجدداً تکرار میکند. این عوامل را باید دید؛ در محاسبات ما این عوامل باید به حساب بیاید. همه‌ی عوامل سعادت و شقاوت و پیشرفت و پسرفت و به موفقیت‌ها دست یافتن و نیافتن، در چهارچوب عوامل مادی متعارفی که اهل مآذ، اهل محسوسات، به آنها دل خوش میکنند، محدود نمی‌ماند؛ این عوامل در کنارش وجود دارد.

آنچه من می‌خواهم در این بخش از عرایضم - که عمده‌ی حرف من هم همین است - عرض بکنم، این است که ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمانهای بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی میکنند، اذیت میکنند، تهدید میکنند؛ در عین حال با همه‌ی زرق و برقی که آن جبهه‌ی مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه میدهد و پیش میرود، اثر می‌گذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا میکند، روزبه‌روز عمق پیدا میکند. آنچه ما امروز در مجموعه‌ی رفتار دستگاه استکبار مشاهده میکنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدانهای دیگر، استکبار نتوانسته است، کاری از او برنیامده است. در میدانهای واقعی، تنها دو عامل مادی در اختیار جبهه‌ی استکبار بوده و هست: یکی تهدید نظامی، یکی تحریم. استکبار غیر از این دو هیچ چیز در اختیار ندارد. از لحاظ قدرت منطق، قدرت استدلال، توانایی بر اثبات حقایق، دست استکبار بسته است. تنها دو کار میتواند بکند: یکی تهدید نظامی است که مرتب میکند، یکی هم تحریم؛ این دو هم علاج دارد. تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. این نکته‌ای که امروز رئیس جمهور محترم گفتند؛ قبلاً هم ایشان گفته بودند و این نکته‌ی کاملاً درستی است: برنامه‌های اقتصادی براساس و با فرض ماندن تحریمها بایستی برنامه‌ریزی بشود و تعقیب بشود و تحقق پیدا بکند. فرض کنیم که این تحریمها ذره‌ای و سرسوزنی کم نخواهد شد؛ که حالا خود آنها هم همین را می‌گویند. آنها هم می‌گویند که تحریمها دست نخواهد خورد، حتی از حالا شروع کردند که اگر در زمینه‌ی هسته‌ای هم به توافق برسیم، معنای آن این نیست که همه‌ی تحریمها برداشته خواهد شد؛ هنوز چیزهای دیگری هم هست؛ این همان حرفی است که ما همیشه میگفتیم. من بارها در همین جلسه و جلسات گوناگون دیگر عرض کرده‌ام (۲۴) که [موضوع] هسته‌ای بهانه است؛ مسئله‌ی هسته‌ای هم نباشد، یک بهانه‌ی دیگری می‌آورند: مسئله‌ی حقوق بشر هست، مسئله‌ی حقوق زنان هست، مسائل گوناگون فراوان را می‌سازند؛ جعل کردن و بهانه‌گیری که خیلی مایه‌ای نمی‌خواهد، دستگاه تبلیغاتی و امپراتوری تبلیغاتی هم که در اختیار آنها است. بنابراین، علاج مسئله‌ی تحریم، عبارت است از همین اقتصاد مقاومتی؛ که حالا من بعد چند جمله‌ای را در این زمینه عرض خواهم کرد.

اما مسئله‌ی تهدید نظامی؛ امروز در دنیا کمتر کسی است که تهدید نظامی را جدی بگیرد؛ حالا آمریکایی‌ها می‌گویند ایرانی‌ها جدی نمی‌گیرند؛ ما فقط نیستیم که جدی نمی‌گیریم؛ در دنیا خیلی‌ها هستند که این تهدید را جدی نمی‌گیرند. ناظران جهانی خیلی باور ندارند که این تهدید، تهدید جدی است؛ چون تشخیص ناظران جهانی و آگاهان به سیاست این است که اگر حمله‌ی نظامی برای آمریکا مقرون به صرفه بود، یک لحظه تأمل نمی‌کرد. اینها از اینکه یک عده‌ای کشته خواهند شد، یک جایی بحران به وجود خواهد آمد، از این ناراحت میشوند؟ کسانی که هشت سال از گرگی به نام صدام با همه‌ی وجود حمایت کردند، کسانی که هوپیمای مسافربری را روی آسمان بدون هیچ بهانه‌ای زدند (۲۵) و چند صد نفر را - زن و مرد و کودک بی‌خبر و بی‌گناه را - نابود کردند و به خون کشیدند، اینها از آدمکشی می‌ترسند؟ کسانی که هر جا دستشان رسیده است و توانسته‌اند بحران‌سازی کردند؛ این اجتماعات رنگی -



به قول خودشان «انقلابهای رنگی» - در این کشورها [به وجود آوردند، در] کدام یک از اینها است که قدرتهای استکباری و در مقدم آنها آمریکا پیشقدم [نباشد] و حضور نداشته باشد؟ داخل کشورها بحران سازی میکنند، حالا این بحرانها به کشتار بینجامد، به جنگ داخلی بینجامد، برایشان مهم نیست. کسانی که به افغانستان حمله کردند، به عراق حمله کردند، صدها هزار نفر کشته شدند؛ کسانی که در عراق بعد از پایان عملیات نظامی هم به وسیلهی دستگاههای امنیتی و شرکتهای مزدور برای آدمکشی مثل بلک واتر - که قبلاً یک وقتی از آنها اسم آوردیم - (۲۶) آدمها را نفر به نفر در بغداد و در سایر شهرهای عراق کشتند، اینها از آدمکشی میترسند؟ اینها از کشته شدن انسانها باک دارند؟ [به این چیزها] اهمیّت میدهند؟

مسئله این نیست که تهدید نظامی به خاطر این است که نمیخواهند. مکرر میگویند اسرائیل تهدید نظامی میکند، آمریکا مانع میشود! خوب چرا آمریکا مانع میشود؟ اگر این حرف واقعیت داشته باشد، اگر این حرف راست باشد، به خاطر چیست؟ خیلی وجدانشان آزرده میشود از اینکه حملهی نظامی به یک کشوری بشود، یک عدهای کشته بشوند؟ نه، مقرون به صرفه نمیدانند. بنده هم قاطعاً میگویم: حملهی نظامی به جمهوری اسلامی ایران برای هیچ کشوری مقرون به صرفه نیست. امروز خود آمریکاییها حملهی به عراق را تخطئه میکنند. نکتهی مهم و جالب توجه این است که این کار را نه از باب اینکه جنایت بود، تخطئه میکنند؛ [نه]، میگویند به صرفهی آمریکا نبود! یعنی اگر به صرفهی آمریکا بود، اشکالی نداشت. نمیگویند ما خطا کردیم که آدم کشتیم، خطا کردیم به مردمی بی گناه حمله کردیم، خطا کردیم که سربازان ما [در] خانههای مردم را با لگد باز کردند، زن و بچهی مردم را جلوی چشم همه به خاک و خون کشیدند؛ این را نمیگویند.

[الان] سربازهایشان به خاطر فجایعی که در آنجا انجام گرفته است، دچار مشکل روانی اند، اما به صورت رسمی اعتراف نمیکنند؛ میگویند این کار به صرفه نبود. خوب، بنابراین هم در زمینهی تحریم، هم در زمینهی تهدید نظامی، دست دشمن خالی است: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین»؛ (۲۷) اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. خوب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبهی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماسهای گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این دربارهی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته اند و نوشته اند و بحث کرده اند.

محاسبات ما را نمیتوانند عوض کنند؛ محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطق عقلانی بوده است؛ براساس یک قوهی عاقله ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل میداده اینها است: اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی اعتمادی به دشمن و شناخت او. از جملهی موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمانها است؛ اعتماد به محبتها است؛ اعتماد به انگیزه های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است - که امام بزرگوار ما مظهر این اعتماد بود - اعتقاد به خودباوری و اینکه «ما میتوانیم»؛ تکیهی به عمل و پرهیز از بیکارگی؛ اعتماد به نصرت الهی؛ تکیهی به تکلیف و مجاهدت در راه تکلیف؛ اینها آن چیزهایی است که از روز اول تا امروز مجموعهی عناصر قوهی عقلانی نظام اسلامی را - که پایه و زیربنای حرکت او بود - شکل داده است؛ بیانات امام را مراجعه کنید؛ فرمایشات امام مملو و مشحون از همین معارف و معانی است؛ بهره گیری از تجربه ها، تجربهی رفتار قدرتهای مستکبر با ملت های زیردست؛ مجاهدت برای استقلال، مستقل ماندن، مستقل زیستن. استقلال یعنی چه - حالا بعضیها در اصل مفهوم استقلال خدشه میکنند که یعنی چه استقلال - استقلال



یعنی آزادی از اراده‌ی بیگانگان و اراده‌ی دیگران؛ این معنای استقلال است؛ این را هیچ عقلی میتواند انکار کند؟ معنای استقلال این است که یک ملتی سرنوشت خودش را خودش تعیین کند. این کشور سالهای متمادی دچار استقلال نبود؛ استقلال ظاهری سیاسی بود، اما مغزافزار این نظام و این کشور دست دیگران بود؛ آنها بودند که تصمیم میگرفتند؛ آنها بودند که کار میکردند؛ افرادی هم در داخل بودند، بعضی دلبسته‌ی آنها، بعضی هم نه‌چندان دلبسته، اما مجبور و ناگزیر دنبال آنها راه می‌افتادند. استقلال، ایستادگی در مقابل یک چنین حالتی است. خب، مخالفت استکبار با این عقلانیت است. اگر کسی خیال کند که اسم اسلام موجب میشود که با جمهوری اسلامی مخالف باشند، نه، اسم اسلام و ظواهر اسلامی و تشریفات اسلامی هیچ کس را به مخالفت وادار نمیکند. امام یک وقتی در یکی از صحبت‌هایشان میفرمودند: (۲۸) وقتی که انگلیس‌ها در دهه‌ی دوم قرن بیستم - هزار و نهصد و خرده‌ای - آمدند وارد عراق شدند و مسلط شدند، بعد آن فرماندهی نظامی انگلیسی دید یک نفری فریادی بلند کرده، دارد صدایی میزند، دستپاچه شد - روی مناره یک کسی اذان میگفت - پرسید این سرو صدایی که هست چیست؟ گفتند اذان میگوید. گفت علیه ما است؟ یکی گفت نه؛ گفت خب، هرچه میخواهد بگوید. اذانی که علیه او نباشد، «الله اکبر»ی که او را کوچک نکند، خب هرچه میخواهد بگوید، مسئله مسئله‌ی اسم اسلام و تشریفات اسلامی نیست. امروز کشورهای اسم اسلام را دارند، تشریفات اسلامی را هم کم‌وبیش دارند، اما نفتشان در اختیار استکبار است، امکاناتشان در اختیار استکبار است، منابع حیاتی‌شان در اختیار آنها است؛ هیچ مخالفتی با آنها نیست، خیلی هم دوستند.

یک حرف خوبی را اخیراً یک جایی خواندم؛ یکی از کارشناسان دولتی آمریکا گفته است: آشتی میان ایران و آمریکا امکان‌پذیر است، اما میان جمهوری اسلامی با آمریکا ممکن نیست؛ حرف درستی زده. ایرانی که در رأس آن خاندان پهلوی باشند - که همه چیزشان را در اختیار آنها میگذارند - البته آشتی با این ممکن که هیچ، لازم هم هست؛ بالاتر از آشتی هم لازم است. مسئله، مسئله‌ی جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی یعنی استقلال، آزادی، پایبندی به ایمان اسلامی، حرکت در مسیر اسلام، تن ندادن به تحمیلات دشمنان، دعوت امت اسلامی به اتحاد - درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که آنها میخواهند - البته با این بدند. خب، این عرض اصلی ما بود: خودباوری را فراموش نکنیم؛ ایمان را فراموش نکنیم؛ عمل را فراموش نکنیم؛ تسلیم تنبلی و سهل‌انگاری و ملالت و دل‌زدگی نشدن را فراموش نکنیم؛ اینها درسهای ماه رمضان است.

چند توصیه عرض کنیم: یک توصیه خطاب به همه‌ی مسئولین است. نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان میدهد که ما در مقطع حساسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه، امروز یک پیچ تاریخی است. این را بدانید! اگر قوی نباشید زور خواهید شنفت؛ نه از آمریکا و غرب، حتی از موجودی مثل صدام. اگر قوی نباشید به شما زور میگویند، بر شما تحمیل میکنند. باید قوی بشوید. عناصر قوت چیست؟ چگونه میشود فهمید و قبول کرد که ما قوی هستیم؟ روحیه، امید، کاروتلاش، شناخت رخنه‌های اقتصادی، رخنه‌های فرهنگی، رخنه‌های امنیتی - اینها را بشناسید و این رخنه‌ها را ببندید - هم‌افزایی دستگاه‌های مسئول - به هم کمک کنند دستگاه‌ها - هم‌افزایی دستگاه‌های مسئول با مردم؛ اینها عناصر قوت است. این یک توصیه که این توصیه به همه است.

توصیه‌ی دوم این است که تا میتوانید و فرصت هست کار کنید؛ فرصتها محدود است. ما اشخاص رو به زوالی هستیم، فرصت محدودی داریم، تا میتوانیم، تا هستیم، کار کنیم. نگوئید نمیگذارند؛ این نمیگذارند حرف قابل پذیرشی نیست. خیلی‌ها هم میگفتند، قبلاً هم میگفتند، حالا هم بعضی‌ها میگویند نمیگذارند؛ نمیگذارند یعنی چه؟ شما چه در مجلس، چه در دولت، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در نیروهای مسلح، چه در بخشهای گوناگون مربوط به دولت، توانایی‌هایی دارید، امکاناتی در اختیار دارید، از این امکانات استفاده کنید؛ تا میتوانید کار کنید؛ نگذارید لحظه‌ای بیکار بگذرد.



توصیه‌ی سوّم [این است که] حرکت را براساس اصول انقلاب تنظیم کنید؛ از حاشیه‌سازی پرهیز کنید، به حلّ مشکلات مردم بپردازید. رابعاً هم‌گرایی بخشی و هم‌گرایی قوّه‌ای را مهم بشمارید. بنده توصیه‌ی مکرّر میکنم به مسئولین محترم قوای سه‌گانه که جلساتشان را به‌طور مرتب داشته باشند؛ خیلی از مسائل در این جلسات مشترک حل میشود: جلسات دولت و مجلس، جلسات قوّه‌ی قضائیه و دولت، جلسات قوّه‌ی قضائیه و مجلس؛ این دیدارها، این تبادل نظرها، این استفاده‌ی از نظرات یکدیگر، موجب هم‌افزایی است. و مسئله‌ی مدیریت جهادی؛ این توصیه مربوط به همه است.

توصیه‌ای به خصوص دولت و قوّه‌ی مجریّه: اولاً این را همه بدانند، بنده دولت را حمایت میکنم. من از همه‌ی توانی که در اختیارم هست استفاده خواهم کرد برای کمک به دولت؛ دولت را تأیید میکنم، حمایت میکنم، مثل همه‌ی دولت‌های گذشته. نسبت به مسئولان بلندپایه‌ی دولت - آنهایی که میشناسم - اعتماد دارم. همه‌ی دولت‌هایی که بعد از انقلاب سر کار آمدند، دولت‌های منتخب مردمند و بنده در همه‌ی این دوره‌ها - آن وقتی که مسئولیت داشتم - از همه‌ی این دولت‌ها حمایت کردم. همه‌ی دولت‌ها هم نقاط مثبتی دارند، [هم] نقاط منفی‌ای دارند؛ هیچ دولتی نیست که بگوید من همه‌ی نقاط مثبت است یا کسی بگوید همه‌ی نقاطش منفی است؛ نه، مثبت و منفی مخلوط است. البته نسبت به دولت‌های گذشته، بهتر این است که نقد به صورت کارشناسی انجام بگیرد؛ نقد در منبرهای عمومی خیلی مصلحت نیست؛ نسبت به دولت کنونی هم نقد باید منصفانه، محترمانه، دلسوزانه باشد؛ به معنای مچ‌گیری، به معنای اذیت کردن نباشد؛ این مطلب اول. ثانیاً به مسئولین دولت عرض میکنم: اقتصاد مقاومتی را جدی بگیرید. خب، رئیس‌جمهور محترم گفتند، مسئولین دیگر هم کم‌وبیش اظهار کرده‌اند، گفته‌اند، منتها باید عمل کرد: *و لا میمن علی غیر عمل یتکل*؛ این جور نباشد که به زبان بگوییم، در عمل کند حرکت بکنیم. در اقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید داخلی است، بر استحکام بنیه‌ی درونی اقتصاد است. رونق اقتصادی هم این است؛ رونق اقتصادی با تولید حاصل میشود، با فعال کردن ظرفیتهای درونی کشور حاصل میشود، نه با چیز دیگر.

توصیه‌ی مهم در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی، یکی توصیه‌ی به بانکها است: بانکها باید نقش ایفا کنند، باید خودشان را تطبیق بدهند با موادّ سیاستهای اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی‌های دولت در این زمینه؛ و میتوانند نقش ایفا کنند، نقش مثبت؛ البته نقش منفی هم میتوانند. توصیه‌ی مؤکد به بخش صنعت و معدن: تحرکشان را باید افزایش بدهند. بار اصلی بیرون رفتن کشور از رکود و عقب‌ماندگی اقتصادی بر دوش بخش صنعت و معدن است؛ باید تلاش کنند، تلاش را باید مضاعف کنند، ظرفیتهای شناسایی کنند؛ ظرفیتهای زیادی در کشور هست، این ظرفیتهای را فعال کنند. در مورد بخش کشاورزی؛ کشاورزی اهمیّت حیاتی دارد. لازم است نگاه دولت و سیاستهای دولتی به بخش کشاورزی، نگاه حمایت باشد؛ همه‌جای دنیا هم همین جور است؛ از بخش کشاورزی به‌وسیله‌ی دولت‌ها حمایت میشود. آن وقت باید مشکلات موجود در بخش کشاورزی برطرف بشود؛ مشکلات کشاورزان، مشکلات دامداران -

که گاهی شکایتهایی هم به ما میشود - و انسان رنج میبرد از بعضی از مشکلاتی که برای اینها وجود دارد. سوّم: شعار دولت، اعتدال است؛ اعتدال، شعار بسیار خوبی است، ما هم تأیید میکنیم اعتدال را؛ افراط محکوم است و بد است. سفارشی که من میکنم این است که مراقب باشید جریانهای مؤمن را با شعار اعتدال کنار نزنند؛ بعضی‌ها این کارها را دارند میکنند، من میبینم در صحنه‌ی سیاسی کشور؛ با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی میکنند جریان مؤمن را که در خطرهای آن جریان است که زودتر از همه سینه سپر میکند، آن جریان است که دولت‌ها را در مشکلات واقعی به معنای حقیقی کلمه حمایت میکند، کنار بزنند؛ مراقب باشید. اسلام، مظهر اعتدال است. این «اشدء علی الکفار رُحماءُ بیئهم» (۲۹) اعتدال است؛ «قتلوا الذین یلوئگم من الکفار» (۳۰) اعتدال است؛ امریه معروف و نهی‌ازمنکر اعتدال است - اعتدال اینها است دیگر - معنای اعتدال این نیست که ما از کارهای احساس وظیفه‌ای که فرد مؤمن، جریان مؤمن، مجموعه‌ی مؤمن انجام میدهد، جلوگیری کنیم.



سفارش به جریانهای سیاسی و مطبوعاتی؛ یک توصیه به برادران و مسئولان جریانهای سیاسی و مطبوعاتی داریم. مراقب باشید؛ فضای جنجالی در کشور به نفع کشور نیست. بعضی‌ها روی اعصاب مردم این قدر راه نروند - که آدم مشاهده میکند - امنیت فکری و ذهنی برای مردم مهم است؛ فضای دعوا و فضای اختلاف را افزایش ندهند، تشدید نکنند. حرفهای دشمنان را هم مرتب تکرار نکنند. بنده هرروز مبالغ زیادی روزنامه نگاه میکنیم - مثل خیلی از چیزهای دیگری که زیاد میخوانم - گاهی یک حرفهایی، یک تیتروهای در روزنامه‌ها [می‌آید] که باب فلان روزنامه‌ی آمریکایی است؛ اتفاقاً گاهی هم در همان روزنامه‌های آمریکایی و غیر آمریکایی هم هست که آنها هم گاهی برای ما می‌آید مراقب باشید؛ این جور درست نیست.

یک مسئله‌ی حساس کنونی، مسئله‌ی هسته‌ای است که بیانات امروز رئیس جمهور محترم کاملاً خوب و درست بود. طرف مقابل به مرگ گرفته که به تب راضی بشوید. هدف آنها این است که جمهوری اسلامی را در باب ظرفیت غنی‌سازی مثلاً - که یکی از مسائل است - به ده هزار سو راضی کنند، منتها از پانصد سو و هزار سو شروع کرده‌اند، که حدود ده هزار سو مثلاً محصول حدود ده هزار سانتریفیوژ - همین قدیمی‌هایی که از قبل داشتیم و داریم - است. هدف آنها این است. مسئولین ما می‌گویند ما به ۱۹۰۰۰۰ سو احتیاج داریم. ممکن است این نیاز مال امسال و دو سال دیگر و پنج سال دیگر نباشد، اما این نیاز قطعی کشور است، خوب، باید نیاز کشور تأمین بشود. اصل حرفی که آمریکایی‌ها در این قضیه دارند، حرف ناحقی است. یک کشوری احتیاج به انرژی هسته‌ای دارد، خودش با تلاش خود، با دنبال‌گیری خود، بدون اینکه از کسی دزدی کند، بدون اینکه با کسی ساخت و پاخت بکند، توانسته این علم را، این دانش را، این فناوری را برای خود فراهم کند؛ حالا وایستاده‌اند که نه، نباید. خوب چرا؟ این «ناباید» چه منطقی دارد؟ می‌گویند ما از بمب هسته‌ای می‌ترسیم! اولاً تضمین برای جلوگیری از سلاح هسته‌ای راه‌های خودش را دارد؛ اشکالی هم ندارد. ثانیاً اگر بنا است که راجع به مسئله‌ی سلاح هسته‌ای کسی نگران باشد، آن، آمریکا نیست. آمریکا که خودش چند هزار کلاهک هسته‌ای دارد، چند هزار بمب هسته‌ای دارد، و خودش به کار برده؛ خوب به شما چه! شما چه کسی هستید که بایستی نگران این باشید که فلان کشور به سلاح هسته‌ای دست پیدا میکند یا نمیکند؛ وانگهی آن دستگاه‌هایی که مسئولند، خوب بله، میشود تضمین کرد. [البته] تضمین هم شده است یعنی روشن است؛ شاید خود آنها هم میدانند. اصل حرف آنها حرف ناحقی است.

البته ما به تیم مذاکره‌کننده‌مان اعتماد داریم. مطمئنیم یقیناً آنها به دست‌اندازی به حقوق کشور و حقوق ملت و کرامت ملت راضی نخواهند شد و اجازه نخواهند داد که چنین کاری انجام بگیرد. مسئله‌ی ظرفیت غنی‌سازی یک مسئله است که خیلی مهم است؛ مسئله‌ی تحقیق و توسعه که قطعاً باید رعایت بشود؛ حفظ تشکیلاتی که دشمن قادر به تخریب آن نیست. روی «فردو» تکیه میکنند، چون غیر قابل دسترسی است برای آنها؛ می‌گویند جایی که ما نمیتوانیم به آن ضربه بزنیم، نباید داشته باشید! این خنده‌آور نیست؟

مسئله‌ی آخر، هم مسئله‌ی منطقه است و مسئله‌ی عراق است که در حقیقت فتنه است و ان‌شاءالله به توفیق الهی مردم مؤمن عراق خواهند توانست این فتنه را خاموش کنند و از بین ببرند. و ان‌شاءالله ملت‌های منطقه روزبه‌روز رو به رشد و اعتلای مادی و معنوی پیش خواهند رفت.

پروردگارا! به محمد و آل محمد از تو می‌خواهیم آنچه گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! ما را بر سعی و تلاش و کار مخلصانه موفق بدار. پروردگارا! به محمد و آل محمد مایه‌ها و موجبات رضایت خود از ما را در اختیار ما قرار بده؛ ما را در این ماه مبارک از رحمت و مغفرت خود محروم مفرما؛ ارواح طیبه‌ی شهیدان را، روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائت محشور بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد ما را جزو بندگان شاکر و صابر خود قرار بده.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته



- ۱) حجّت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی
- ۲) کامل و کافی
- ۳) روزه‌داران
- ۴) اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۹۰
- ۵) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۴۹
- ۶) اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۵
- ۷) آزاد شدن
- ۸) اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۳
- ۹) اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۶
- ۱۰) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه ۱۸۳
- ۱۱) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۹
- ۱۲) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۸۲
- ۱۳) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۵
- ۱۴) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۴
- ۱۵) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۵
- ۱۶) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۶۸
- ۱۷) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۲۰
- ۱۸) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۰
- ۱۹) سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲
- ۲۰) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷
- ۲۱) از جمله، سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۶۲
- ۲۲) سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴ و بخشی از آیه‌ی ۲۵
- ۲۳) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۷
- ۲۴) از جمله، دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۹۱/۵/۳)
- ۲۵) هواپیمای مسافربری ایران که در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ از بندر عباس عازم دوی بود، در منطقه‌ی غیرنظامی جزیره‌ی هنگام با شلیک موشک از ناو آمریکایی وینسنز سرنگون شد و ۲۹۸ سرنشین آن - از جمله ۶۶ کودک زیر ۱۲ سال - به شهادت رسیدند.
- ۲۶) از جمله، دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی (۱۳۸۶/۸/۹)
- ۲۷) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۹
- ۲۸) از جمله، صحیفه‌ی امام، ج ۷، ص ۳۹۳
- ۲۹) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹
- ۳۰) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۲۳